

درپچه

بلیت سینماها از آبان تمام‌بها می‌شود

● ماه‌هاست که به‌دنبال همه‌گیری ویروس کرونا در سراسر دنیا، بسیاری از فعالیت‌های فرهنگی به تعطیلی کشیده شده و صنعت سینما هم از این آسیب در امان نمانده است. این در حالی است که بسیاری از رویدادهای هنری مثل جشنواره‌های فیلم در سراسر دنیا برگزار نشده یا زمان برگزاری به تاریخ دیگری موکول شده است؛ اما این آسیب اقتصادی در سینمای ما بیشتر خودش را نشان می‌دهد. گردش مالی نه‌چندان چشمگیر سینمای ما در سال‌های اخیر از یک‌سو و نبود برنامه‌ریزی منسجم در شرایط بحرانی از این دست باعث می‌شود تا سینمای ما بیش‌ازپیش در معرض آسیب‌های جدی قرار گیرد. ابتدای سال جاری بعد از مدت‌ها تعطیلی سینماها، اکران فیلم‌هایی که به نظر می‌رسید در جذب مخاطب موفق‌تر عمل می‌کنند، عملاً تمام تصورات را از زنده‌شدن سینماها در شرایط پاندمی کرونا برهم زد. فیلم‌هایکی پس از دیگری با شکست در گیشه مواجه شدند و بسیاری از صاحبان آثار که فیلم‌های‌شان در نوبت اکران است، از صرافت اکران فیلم در چنین شرایطی افتادند. دراین‌میان اکران آنلاین که به‌نظر می‌رسید اتفاق بهتری در روزهای خانه‌نشینی مخاطبان سینماست، هم مسیر نامشخصی پیش‌رو دارد. در چنین شرایطی و با اکران معدود فیلم‌ها، دبیر شورای صنفی نمایش با بیان اینکه بلیت سینماها از اول آبان تمام‌بها خواهد بود، تاکید کرد که قرار است شورای اکران آنلاین در آینده تشکیل شود. مرتضی شایسته در گفت‌وگو با ایسنا درباره مصوبات جلسه ۳۰ مهر شورای صنفی نمایش توضیح داد: این جلسه با حضور اعضای شورا و مدیرکل سینمای حرفه‌ای سازمان سینمایی در محل اتحادیه تهیه‌کنندگان تشکیل و مقرر شد از ابتدای آبان بهای بلیت سینماها به روال قبل برگردد و در تمام روزهای هفته به جز سه‌شنبه‌ها تمام‌بها باشد. به‌این‌ترتیب برخی روزهای سه‌شنبه بلیت سینماها نیم‌بها خواهد بود.

او با اشاره به اینکه اکران فیلم‌هایی که روی پرده هستند، پس از بازگشایی سینماها همچنان ادامه خواهد داشت، افزود: فیلم سینمایی «ابن‌جا هم باران می‌بارد» نادر طریقت و «مردن در آب مطهر» نوید محمودی به ترتیب در سرگروه‌های سینمایی بهمن و ایران از ۳۰ مهر اکران خواهند شد.

شایسته اضافه کرد: یکی‌دیگر از مصوبات شورا این بود که از این پس تمام سینماهای کشور باید به عضویت سامانه سامفا که مربوط به اکران و فروش سینماهاست، درآیند و دفاتر پخش مکلف هستند به سینماها به عضو سمفا نایستند، فیلمی برای اکران ندهند.

نوید محمودی که فیلم «مردن در آب مطهر» را به تهیه‌کنندگی بردارش جمشید محمودی در سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر رونمایی کردند و طبق برنامه قرار است از ۳۰ مهر آن را روی پرده ببرند، نیز در گفت‌وگو با ایسنا درباره وضعیت اکران فیلم گفت: در‌حال‌حاضر هیچ اطلاعی نداریم که آیا قرار است تعطیلی سینماها همچنان ادامه داشته باشد یا خیر؛ اما بنا بر تاریخی که از پیش تعیین شده بود (۳۰ مهر)، در حال آماده‌کردن مترایل لازم برای اکران فیلم هستیم. بااین‌حال اگر دوباره تعطیلی‌ها تمدید شود، متأسفانه باید صبر کنیم تا شرایط ادی و سینماها باز شود.



او ادامه داد: «ما به چند دلیل باید فیلم را حتماً اکران سینمایی کنیم و اولین دلیل این است که می‌خواهیم آن را به صورت آنلاین اکران کنیم و این دو به هم مربوط هستند و چاره‌ای غیر از این نیست. از سوی دیگر ازآنجاکه قرار است جشنواره فیلم فجر برگزار شود، طبیعتاً فیلم‌های بسیار زیادی به سال آینده موکول می‌شوند که شرایط را پیچیده‌تر می‌کنند و چون ما هم پروانه نمایش داریم، بهتر است فیلم را اکران کنیم. البته می‌دانم که این شرایط فقط محدود به ما نیست و همه فیلم‌ها این روزگار را دارند؛ اما باید توجه کنیم که در همین شرایط فعلی حدود ۱۵ فیلم اکران شده و اگر «مردن در آب مطهر» و چند فیلم دیگر هم اکران شوند، باز هم پیش از جشنواره فجر امسال، هنوز نزدیک به ۱۵ فیلم از جشنواره فجر سال قبل باقی می‌ماند. اینها جدا از حدود ۸۰ تا ۹۰ فیلمی است که در سال گذشته تولید شده و در جشنواره فجر حضور نداشتند. ضمن اینکه امسال هم حدود ۲۰ فیلم در حال تولید هستند یا از اواخر سال قبل را خود را شروع کرده‌اند؛ پس یعنی یک سبد پر از فیلم برای اکران در سال آینده خواهیم داشت.»

به نظر می‌رسد در روزهایی که به‌بحرانی‌ترین روزها را از آغاز شیوع کرونا در کشور تجربه می‌کنیم، سینمارفتن اولویت بسیاری از مخاطبان سینما نیست. بااین‌حال باید منتظر ماند و دیدی در روزهای آینده چه تصمیماتی دیگری برای شرایط نه‌چندان مطلوب سینماها گرفته خواهد شد؟

ادامه از صفحه اول

به‌رحال آنچه مسلم است، پس از چند روز محاصره امام حسین و اصحاب او در دشت کربلا و قطع آب و آذوقه بر ایشان، ظرف چند ساعت و چنانکه این گزارشگر بیان می‌کند همه اصحاب آن حضرت را به جز کودکان و زنان کشتند و به این مقدار بسنده نکردند، بلکه طبیعت جاهلی خود را به‌نهایت نشان دادند و قساوت و بیرحمی را به اوج رساندند: بر ابدان شهیدان اسب تاختند، خیمه‌ها را آتش زدند، اموال آنها را غارت کردند و علی‌بن‌الحسین(ع) و زنان و کودکان را به عنوان کافر و خارجی که علیه حکومت یزید قیام (خروج) کرده‌اند، اسیر کردند و به سمت کوفه و سپس به شام نزد یزید بردند. البته در مجلس یزید حضرت سجاد(ع) و حضرت زینب کبری(س) بدون هیچ واهمه‌ای آن خطبه‌های غرا را خواندند و درنهایت شجاعت، یزید و اطرافیان او را رسوا کردند و در جواب یزید که گفت دیدی خداوند با برادرت چه کرد، زینب فرمود من جز زیبایی ندیدم (ما رأیت الا جمیلاً). نیز گفت اینها مردمی‌اند که خداوند کشته‌شدن را بر ایشان نوشته و خود به‌سوی قتلگهاشان بیرون آمدند (هوالا قوم کتب الله علیهم القتل فیروزا الی مضاجعهم). در آن مجلس، که به جایی رسید که یزید را وحشت گرفت و سعی کرد اسیران را احترام کند و حتی از کشتن امام حسین(ع) تبری جست و آن را به گردن عبیدالله زیاد انداخت که البته آشکارا دروغ می‌گفت و قلبا از شهادت آن حضرت خشنود بود.

درباره بغض معاویه و فرزندش یزید با امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام و اهل بیت او و تبلیغات سوئی که علیه ایشان کرده بودند، نمونه‌های فراوانی در کتب تاریخی وجود دارد. برای اینکه گوشه کوچکی از مظلومیت امام حسین(ع) حتی پس از شهادت آن حضرت معلوم شود و بدانیم که بنی‌امیه چه جو مسموم و تبلیغات کسترده‌ای ضد اهل بیت پیامبر(ص) ایجاد کرده بودند، بد نیست این چند جمله را از قول «کراجکی» بخوانیم. او می‌نویسد سال‌ها پس از حادثه کربلا بعضی قبایل و خانواده‌ها که در شام یعنی محل دارالخلافه یزید زندگی می‌کردند، به القاب جدیدی معروف شدند مانند بنی‌السرایل، بنو اسنان، بنوالمکبری، بنوالطشتی و امثال آنها. علت این‌نام‌گذاری به خاطر خوش‌خدمتی و کارهایی بود که پدران یا بزرگان این خانواده‌ها در ماجرای کربلا و پس از آن انجام داده بودند و به آن افتخار می‌کردند و خود را به آنها لقب‌بها می‌خواندند. مثلاً بنی‌السرایل کسانی بودند که لباس امام حسین(ع) و اصحاب او را غارت کرده بودند، بنوالسرج همان سوارانی بودند که بر ابدان مطهر آن حضرت و شهیدان کربلا تاخته بودند و بعضی از آنها نعل اسب‌های خود را به نشانه افتخار بر بالای خانه خود آویزان می‌کردند. بنواسنان خانواده‌هایی بودند که خودشان یا پدران آنها سر مقدس ابن‌عبده الله را بر بالای نیزه‌ها تا شام حمل کرده بودند و بنوالمکبری همان ناپاکان بی‌دینی بودند که به دنبال این نیزه‌داران، تکبیر می‌گفتند و هلهله می‌کردند و بالاخره بنوالطشتی کسانی بودند که در مجلس یزید سر مقدس آن حضرت و شهدای کربلا را در پشت نهاده بودند و به آن جسارت ورزیدند و چوب می‌زدند.

راستی چه سببعیتی بالاتر از اینکه عده‌ای تبهکار به نام اسلام و پیروان دین رسول خدا رفتاری با امام معصوم روا دارند و او را همراه همه اصحاب و یارانش یک‌جا شهید کنند و خانواده خود را به بهانه عسیان و «بغی» بر امیرالمؤمنین یزید(ا) اسیر کنند و حتی به این هم اکتفا نکنند و به تبعیت از افتخارات جاهلی از اینکه سر آن حضرت را بر نیزه‌ها بلند کرده و تکبیر گفته‌اند یا با اسب بر بدن شهیدان تاخته‌اند، برای خود لقب افتخار و نشان مصادات بسازند! بی‌جهت نبود که حضرت سجاد ۱۷ سال در مصیبت کربلا می‌گریست و هرگاه آب و غذا برای ایشان می‌آوردند، سخت به گریه می‌افتاد؛ به‌طوری‌که وقتی یکی از خدمتکاران ایشان که شاهد این منظره بود گفت این‌طور که شما بی‌تابی می‌کنید، می‌ترسم که هلاک شوید، امام سجاد(ع) فرمودند: من در کربلا چیزهایی دیدم و می‌دانم که شما نمی‌دانید و هر وقت یاد شهادت پدرم و قتلگاه فرزندان و اصحاب او می‌افتم، اشک و غصه راه را بر گلویم می‌بندد.

حضرت صادق(ع) نیز همین‌که هلال ماه محرم سرمی‌زد، به عزا می‌نویست و شیعیان و شاعران را به عزاداری امام حسین تشویق می‌فرمود و به مرثیه‌گویان در قضیه کربلا احترام می‌کرد. امامان دیگر نیز به کسانی که درباره امام حسین(ع) و ماجرای کربلا شعری می‌سرودند و مرثیه‌ای می‌گفتند و یاد مظلومیت امام حسین(ع) و رنجی را که بر او و خانواده‌اش رفته بود، زنده نگه می‌داشتند، تحفه و پاداش می‌دادند. بعضی از آنها نیز شاعران را که در اوصاف خاندان پیامبر شعری سروده بودند، تحسین می‌کردند و به ایشان خلعت می‌دادند. تحسین امام رضا(ع) از قصیده دعیل خزاعی مشهور است. قصیده تائیه که به قصیده «مدارس آیات» نیز مشهور است (زیرا از لایات آن چنین شروع می‌شود: مدارس آیات خلت من تلاوه – و منزل وحی مقفر

مقالات هنر

باز گو از نجد واز یاران نجد



محمد بن علی، رهبر جنبش

العرصات... یعنی منزلگاه فرود آیات وحی، دیگر از تلاوت وحی خالی مانده و عرصه خاموشان شده است ... (این قصیده زیبا در اوصاف خاندان پیامبر و ذکر مصائبی است که بر آنها رفته است، دعیل خزاعی (شاعر قرن سوم هجری) است که ایام زندگی سه امام را درک کرده (امام هفتم، هشتم، نهم) و روزی این قصیده‌اش را نزد امام رضا (ع) می‌خواند تا رسید به ابیات مربوط به شهادت امام حسین:

افاطم لو خلت الحسین مجدلا / و قدمات عشاننا بشط فرات
اذا للطمست الخد فاطم عنده / واجریت انهارا علی الوجنات
(یعنی: ای فاطمه، اگر بتوانی تصور کنی که چگونه حسین در کنار رود فرات نشنه کشته شد، بر سر و صورت خواهی زد و از اشک رودها بر صورت خود جاری می‌کنی) .

گویند حضرت رضا(ع) با شنیدن این ابیات سخت گریست و پاداش و خلعت فراوان به دعیل داد. سپس از او خواست این ابیات را دوباره و چندباره بخواند و گفت اجازه می‌دهی من هم چند بیت به این قصیده تو بیفزایم. دعیل پاسخ داد به این زیادت افتخار می‌کنم. سپس امام رضا گفت بنویس:

و قبر بطوس یالها من مصیبه / الحت علی الاحشاء بالزفرات
الی الحشر حتی یبعثالله قائما/ یفرح عنا الغم و الکربات
(یعنی: قبری هم در شهر طوس است که تا قیامت، شعله‌های ناله جانسوز را در دل می‌افزاید، تا اینکه خداوند روزی کسی را برانگیزاند تا گره از غم و اندوه بگشاید).

فرزند پیغمبر و بهترین خلق خدا و اصحاب وفادار و جوانمرد او را شهید کردند و به‌ظاهر پیروز شدند و غلبه یافتند اما در حقیقت مغلوب شدند؛ چراکه با شهادت امام حسین(ع) و اصحاب او دین خدا پایدار ماند. این ابیات زیبا که از ابوالعلا معری نقل شده گویای همین نکته است:

و علی الدهر من دماء الشهداءین/ علی و نجله شاهدان
فهما فی اواخر اللیل فجبران/ و فی اولیاته شفقان

ثبثا قمیصه لیجیء الحشر/ مستعدیا الی الرحمان
(یعنی: از خون دو شهید علی(ع) و امام حسین(ع) دو گواه بر صفحه روزگار باقی مانده است: سرخی فلق و شفق به‌هنگام طلوع و غروب خورشید که در افق پیدا می‌شوند، نشان خون این دو شهید است. این دو سرخی بر پیراهن روزگار ثبت شده تا در روز قیامت نزد خداوند به دادخواهی آیند.)

در مقام آن حضرت همین بس که آیه کریمه «و قدیناه بذبح عظیم» (صافات: ۱۰۷) که به‌هنگام قربانی‌کردن حضرت اسماعیل(ع) به دست حضرت ابراهیم(ع) نازل شده، به‌نقل از تفاسیر معتبر اشاره به امام حسین(ع) و فاجعه خونین کربلا دارد و نیز همین بس که حضرت رسول اکرم(ص) لقب «سیدالشهدا» را به آن حضرت عطا کرده و در حق ایشان فرموده «ان‌الحسین مصباح الهدی و سفینه النجاه» (حسین(ع) چراغ هدایت و کشتی نجات است).

قضیه کربلا و شهادت امام حسین(ع) برای ما ایرانیان معنا و مفهوم خاصی دارد. اگرچه ایرانیان دین اسلام را پذیرفتند اما هیچ‌گاه به

بی‌اطلاع نبود و چنین نبود که گمان کند با عده‌ای محدود از مکه حرکت می‌کند و به امید اینکه در کوفه سپاه بزرگی در انتظار اوست، به قصد جنگ با سپاه عمر سعد راهی کوفه می‌شود و قدرت را از یزید پس می‌گیرد (رک. پس از پنجاه سال، محمدجعفر شهیدی). سوم، امام حسین(ع) حمایت مدینه و مکه را که شناخت بهتری از امام علی و فرزنداناش داشتند، نداشت؛ زیرا در مدینه و مکه حاکمان سرگرم جنگ قدرت بودند و اوضاع آشفته بود.

چهارم، قدرت سیاسی اصلی، در شام بود و هر حرکتی علیه دستگاه خلافت، باید آنجا را نشانه می‌گرفت. معاویه ساختار سیاسی محکمی در شام ایجاد کرده بود و با نصب استانداران و والیان در سراسر کشور، یک هرم قدرت وفادار در استان‌ها و مناطق کشور -ازجمله در کوفه- برپا کرده بود که نفوذ در آن، پرهزینه و دشوار بود. پنجم، پس از درگذشت معاویه، این‌ن یزید بود که کار را بر امام حسین(ع) سخت گرفت و او درافتاد. یزید از حاکم مدینه (ولید بن عتبّه) خواست که پیش از آنکه فتنه‌ای رخ دهد، از امام حسین بیعت بستاند و اگر زیر بار نرفت، کار او را بسازد؛ اما ولید درخواست یزید را عملی نمی‌دانست و به همین لحاظ یزید او را عزل کرد و عمر بن سعد بن عاص را که والی مکه هم بود، هم‌زمان به حکومت مدینه منصوب کرد. امام حسین(ع) با توجه به فشارهای یزید، دریافت که مدینه برای او و خاندانش امنیت لازم را ندارد و مدینه را ترک کرد و با عده‌ای از خویشان و نزدیکان و خانواده‌اش (ظاهرا به قصد حج عمره) به‌سوی مکه حرکت کرد. در همان اوان دعوتی هم از هوادارانش در کوفه دریافت کرده بود و از مکه به آن‌سو رهسپار شد؛ اما عمر سعد، شمر را به فرماندهی سپاه گمارد و او، در راه کوفه نزدیکی منطقه کربلا، راه را بر امام حسین و یارانش بست و حتی اجازه نداد امام برگردد یا به راه داریش (بعضی گفته‌اند به سمت یمن) برود؛ بلکه او را مخیر کرد بین بیعت با یزید یا جنگ. پیدا بود که امام، بیعت با یزید را نپذیرفت و جوانمردانه مقاومت کرد و شد، آنچه شد.

یک‌بار دیگر گزارش هولناک زهیر ابن قیس به یزید را که در ابتدای این نوشته آوردیم، بخواند. این روایت تاریخی و فشرده نشان می‌دهد که گرچه نهضت سیدالشهدا و ماجرای کربلا، روی قطعه‌ای از زمین و زیر تکه‌ای از آسمان رخ داده و در روز و شبی چند از محرم سال ۶۰ هجری به‌عنوان یکی از هزاران واقعه تاریخی رخ داده و ثبت‌وصبط شده است، اما یک انقلاب ساده سیاسی ضد یک حکومت سنگمر و خودکامه به قصد دردمست‌گرفتن قدرت خلافت نبود.

اگر چنین ساده بود، مانند صدها و صدها حادثه تاریخی دیگر در زیر گذر زمان رنگ می‌باخت و در کوچه‌پس‌کوچه‌های تاریخ گم می‌شد. کاری که حسین(ع) و یارانانش کردند، تخته‌بند مبارزه برای کسب قدرت نیست، او از زندان تاریخ عبور کرده و در چهره یک اسطوره برای همه زمین‌ها و در همه زمانه‌ها جاودانه شده است. پیام او، آزادی و آزادی، پایداری و مردانگی، ستم‌ستیزی و ایستادگی در راه حق و عدالت است. آنچه حسین بن علی و یاران دلاور و شجاع سده سیاسی، نهضت سیدالشهدا یک انقلاب ساده سیاسی، ضد یک حکومت سنگمر و خودکامه و به قصد دردمست‌گرفتن قدرت، نبود و هدفش به‌مراتب بالاتر از اینها بود. یکم، مسئله خلافت و جانشینی پیامبر، با انتخاب خلیفه اول و ۶۰ سال قبل از حادثه کربلا تمام شده بود و امام علی(ع) پس از ۲۳ سال خانه‌نشینی، در برگرداندن آن به مسیر درست، شهید شده بود. دوم، از نظر سیاسی، گرچه هنوز در کوفه کسانی از نسل اول مسلمانان زندگی می‌کردند که طعم پنج سال حکومت علی(ع) در دهه چهارم هجرت را چشیده بودند و در آرزوی تکرار آن دوران بودند و حتی امام حسین(ع) را به کوفه دعوت کردند؛ اما امام حسین(ع) از قدرت سیاسی و نظامی یزید و اوضاع سیاسی و اجتماعی عراق آمده است.

زیر آسمان فیروزه‌ای

تقدیر ویژه جشنواره مستند زاگرب از «سایه‌های بی‌خورشید»

● مستند «سایه‌های بی‌خورشید» ساخته مهرداد اسکویی، تقدیر ویژه هیئت داوران شانزدهمین جشنواره فیلم‌های مستند زاگرب (زاگرب داکس) را دریافت کرد. «سایه‌های بی‌خورشید» که یکی از فیلم‌های بخش رقابتی اصلی این رویداد سینمایی بود، در نهایت تقدیر ویژه هیئت داوران جایزه «فیلم‌هایی که اهمیت دارند» را کسب کرد. این جایزه ویژه به فیلم‌هایی اعطا می‌شود که به بهترین شکل حقوق بشر را ترویج کنند. مستند «خلاف جهت عقربه‌های ساعت» ساخته جلال وفایی دیگر نماینده سینمای ایران در بخش اصلی این جشنواره سینمایی بود. «سایه‌های بی‌خورشید» پس از رونمایی در سی‌ودومین جشنواره بین‌المللی مستند آمستردام (ایدفا) و کسب جایزه بهترین کارگردانی از این رویداد معتبر سینمایی، در چندین جشنواره بین‌المللی دیگر ازجمله بیگ‌اسکای آمریکا، مونپخ آلمان، کراکو لهستان، داکاچ نیوزیلند، میلیونیم بلژیک، حقوق بشر ژنو، هلسنیکی فنلاند و... نیز حضور یافته و اخیرا به جشنواره‌های «ژان روش» فرانسه، داکوفست کوزوو، جشنواره مستند اوپن سیتی لندن و شانزدهمین جشنواره فیلم زوریخ نیز دعوت شده است. این مستند اثری تکان‌دهنده و برانگیزنده درباره محل نگهداری نوجوانان بزهارا است و روی دختران و زنانی تمرکز می‌کند که به سبب قتل یا معاونت در قتل یکی از مردان خانواده یا خویشانوندان سوءاستفاده‌گر خود به کانون اصلاح و تربیت فرستاده شده‌اند. شانزدهمین جشنواره فیلم مستند زاگرب (زاگرب داکس) قرار بود از ۲۵ اسفند تا یکم فروردین یعنی ۱۵ تا ۲۰ مارس در کرواسی برگزار شود؛ اما با تعویق به‌دلیل شیوع ویروس کرونا از ۴ تا ۱۱ اکتبر (۱۳ تا ۲۰ مهر) برگزار شد.

نهمین دوسالانه نقاشی تهران پس از ۹ سال برگزار می‌شود

● اعضای شورای سیاست‌گذاری نهمین دوسالانه نقاشی تهران با حکم هادی مظفری، مدیرکل هنرهای تجسمی، انتخاب شدند. هادی مظفری به پیشنهاد انجمن هنرمندان نقاشی ایران و در احکامی غلامحسین نامی را به‌عنوان رئیس افتخاری دوسالانه نقاشی و احسان آقایی را به‌عنوان مشاور شورای سیاست‌گذاری انتخاب و اعضای شورای سیاست‌گذاری نهمین دوسالانه نقاشی تهران را به شرح زیر معرفی کرد: فرح اصولی، امیر راد، هلنا شند-دشتگل، جمال عرب‌زاده، محمدرضا فیروزه‌زای، مژگان قدوسی، معصومه مظفری، مینا نادری و علی ندایی. جلسات شورای سیاست‌گذاری برای انتخاب دبیر هنری، تبیین ساختار و سیاست‌های دوسالانه و تدوین فراخوان آغاز خواهد شد. گفتنی است هشتمین دوسالانه نقاشی تهران در سال ۱۳۹۰ برگزار شده بود و نهمین دوره آن توسط انجمن هنرمندان نقاش ایران در سال ۱۴۰۰ برگزار خواهد شد.

جمشید هاشم‌پور گواهینامه درجه یک هنری گرفت



● سیدمحمد طباطبایی، نماینده وزیر و دبیر شورای ارزشیابی هنرمندان، نویسندگان و شاعران کشور و نماینده وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، با حضور در منزل جمشید هاشم‌پور گواهینامه درجه یک هنری این هنرمند پیش‌کسوت را اعطا کرد. طباطبایی هنگام اعطای گواهینامه درجه یک هنری این هنرمند گفت: جمشید هاشم‌پور را اگرچه خیلی‌ها در نگاه اول با فیلم‌های قهرمان‌محوری که ایشان نقش قهرمان را در آنها داشته‌اند، به یاد می‌آورند؛ اما اهالی و کارشناسان حوزه سینما تأیید می‌کنند که او در ژانرهای گوناگون درخشیده است. او ادامه داد: همکاری با کارگردان مهمی مانند زنده‌یاد رسول ملاقلی‌پور در پنج فیلم مهم از میزان اعتماد به این بازیگر است. بازی ایشان در دو فیلم هیوا و قارچ سمی هیچ وقت فراموش نمی‌شود. دبیر شورای ارزشیابی هنرمندان اظهار کرد: برای جمشید هاشم‌پور فرقی نمی‌کند در یک فیلم نقش قهرمان داشته باشد یا یک نقش فرعی. برای او بازی خوب و صحیح ارائه‌کردن، مهم است؛ چنان‌که می‌توانیم فیلم‌هایی را نام ببریم که نقش اصلی نداشته؛ اما حضورش ماندگار شده است. گواهینامه درجه یک هنری در رشته بازیگری سینما توسط شورای ارزشیابی هنرمندان، نویسندگان و شاعران کشور به جمشید هاشم‌پور اعطا شده است.